

جایگاه آزادی در اندیشه امام خمینی (ره)

اصغر رحمتی^۱

چکیده

با توجه به نگاه امام خمینی (ره) به مقوله آزادی که هدف والای ایشان در رهبری انقلاب اسلامی بود، درمی‌یابیم که ایشان به هرگونه آزادی در جامعه اسلامی با توجه به حدود و شرایط معتقد بوده‌اند. ایشان ابتدا معتقد به ایجاد فضای سالم برای آزادی اندیشه در جامعه می‌باشند؛ همچنین معتقد به آزادی‌های فردی و سیاسی، آزادی اندیشه و بیان، آزادی احزاب و اجتماعات و آزادی عقیده و مذهب می‌باشند. البته این نوع آزادی‌ها را دارای حدود و شرایطی می‌داند.

در مقاله مورد نظر سعی بر آن است که این مقوله را در اندیشه امام خمینی (ره) مورد بررسی قرار دهیم. در این پژوهش به این نتیجه می‌رسیم که امام خمینی (ره) در واقع درصدد بوده که نوعی فهم درست از آزادی را در جامعه اسلامی بیان کند. روش پژوهش در این مقاله به روش توصیفی تحلیلی با استفاده از منابع کتابخانه‌ای می‌باشد.

واژه‌های کلیدی: امام خمینی، آزادی، حدود آزادی، آزادی سیاسی، اجتماع

مقدمه

نوع اندیشه امام خمینی (ره) بنیانگذار انقلاب اسلامی ایران، همواره راهگشای مشکلاتی بود که در طول دوران مبارزات انقلابی مردم ایران نقشی مهم ایفا می‌کرد و در واقع الگویی شد برای نظم دادن به حکومت اسلامی در ایران که به سرمنزل واقعی خود برسد. از جمله مسائلی که در اندیشه ایشان بارز می‌باشد بحث آزادی است که در طول تاریخ ایران از مسائل مهمی بوده که برداشت‌های مختلفی از آن به عمل آمده و سوءاستفاده‌های نادرستی نیز از آن شده است. در مقاله حاضر سعی بر آن است که بحث آزادی را از دیدگاه ایشان مورد بررسی قرار دهیم تا راهگشای سایر علاقه‌مندان برای فهم بهتر آن باشد. این پژوهش شامل تعریف آزادی به همراه تعریف آن از دیدگاه امام (ره) و نظر ایشان در مورد انواع آزادی مانند آزادی اندیشه و بیان، آزادی‌های سیاسی، آزادی فردی یا حریم خصوصی، آزادی اقلیت‌های مذهبی، و حدود این نوع آزادی‌ها می‌باشد.

آزادی

آزادی همواره در طول قرون متمادی زندگانی بشر یک اصل مهم و ارزشمند برای پیشرفت و تعالی به سوی سرمنزل حقیقی مردم یک ملت بوده است که برای دست یافتن به آن دائماً در حال تلاش بوده‌اند، و در ادبیات سیاسی به صورت آمیزه مبهمی از دو مفهوم Liberty و Freedom به کار می‌رود، که از زمره مفاهیم اسطوره‌ای دنیای ما است. کلیت جذاب و پرشکوه این اصطلاح، اولین معنایی است که به ذهن، متبادر می‌شود و همه گوناگونی‌ها در اختلاف آرا نیز از همین کلیت شکوهمند آغاز شده است.

از آن‌جا که هر یک از مکتب‌ها، با توجه به ایدئولوژی مخصوص خود، تفسیرها و برداشت‌های متفاوتی را از آزادی مطرح کرده‌اند، تناقض میان آزادی به عنوان اراده‌ای فراتر از آزادی و قانون طبیعی، چه به صورت حاکمیت مطلق سلطان (استبداد فردی) و چه به صورت حاکمیت مطلق مردم (استبداد دموکراتیک) از مهمترین مباحث دوران معاصر درباره آزادی است.

شایسته است به عنوان مقدمه به برخی از تعاریف آزادی اشاره شود؛

تعریف هابز از آزادی: «انسان آزاد کسی است که از انجام کاری که می‌خواهد انجام دهد، بازداشته نشود». (منتسکیو، ۱۳۶۲، ص ۲۹۶)

جان لاک در تعریف آزادی می‌گوید: «آزادی رها بودن از محدودیت و خشونت دیگران است». (محمودی،

۱۳۷۷، ص ۸۷)

هلوسیوس درباره انسان آزاد می‌گوید: «انسان آزاد انسانی است که در غل و زنجیر و یا زندان محبوس

نبوده و همچنین مرعوب شبهه نباشد». (کوئینتن، ۱۳۷۵، ص ۲۸۳)

روشن است که مفهوم آزادی در مکتب اسلام با آنچه که در مکتب لیبرالیسم مطرح است کاملاً متفاوت است. بر همین اساس است که امام خمینی (ره) از همان ابتدا با آزادی مکتب لیبرالیسم در غرب مخالفت داشت و آن را باعث به وجود آمدن نوعی بی‌بند و باری در راستای رویارویی با اخلاق و سنت‌های انسانی و

برخلاف شرع و عقل می‌دانست. امام (ره)، آزادی را در چارچوب اسلام می‌دانست و معتقد بود که «یکی از بنیادهای اسلام، آزادی است، انسان واقعی ملت مسلمان، فطرتاً یک انسان آزاد شده است» (صحیفه امام، ج ۴، ص ۲۴۲)، و همه‌گونه آزادی را در اسلام و تعالیم قرآن و سنت پیامبر جستجو می‌کند.

از طرف دیگر امام خمینی (ره) معتقد به آزادی در چارچوب قانون اساسی می‌باشند و می‌گویند: آزادی در حدود قانون است و در ایران این قانون بر پایه اسلام باید باشد و آزادی متناسب با این قانون اسلامی (همان، ج ۷، ص ۴۸۷)، و آزادی را در چارچوب نیازها و منافع عمومی، مطلوب دانسته‌اند. معتقدند که قوانین اسلام، آزادی سالم و منطقی را برای همه انسان‌ها تضمین کرده است.

امام خمینی در مورد تعریف آزادی می‌گوید: «آزادی یک مسئله‌ای نیست که تعریف داشته باشد. مردم عقیده‌شان آزاد است، کسی الزامشان نمی‌کند که شما باید حتماً ... این راه را بروید، کسی الزام به شما نمی‌کند که باید این را انتخاب کنی، کسی الزامتان نمی‌کند که در کجا مسکن داشته باشی ... آزادی یک چیز واضحی است» (همان، ج ۱۰، ص ۹۴-۹۵). در جای دیگر می‌گویند: آزادی مال مردم است و اعطا کردنی نیست (همان، ج ۳، ص ۴۰۶). آزادی باید در کنار معنویت باشد (همان، ج ۷، ص ۵۳۴). در اندیشه ایشان جهان‌بینی توحیدی نگاه‌ی بس عمیق و ژرف به آزادی دارد و از منظری کاملاً انسانی و مبتنی بر فطرت الهی انسان به آن توجه شده است.

امام (ره) ضمن پذیرش آزادی و جانبداری از آزادی، به خصوص آزادی‌های سیاسی اجتماعی، به مثابه یکی از حقوق فطری و طبیعی مردم در عرصه‌های مختلف فردی و اجتماعی، از جمله حقوق غیراکتسابی، می‌شمارند؛ زیرا آزادی از مقوله حقوق موضوعی نیست تا انسانی به انسان دیگر اعطا کند؛ بلکه بخشی از طبیعت آدمی و از جمله حقوق طبیعی اوست، حتی اگر دولت و حکومت آن را به رسمیت نشناسد. در عین حال، جامعه به منظور حفظ ارکان خود و تأمین نظم و امنیت، می‌تواند حدود، شرایط و قیودی در استفاده از آزادی مقرر نماید؛ اما ایجاد تزلزل در اساس و پایه آن از حدود صلاحیت دولت، حکومت و جامعه بیرون است. کوتاه سخن آن‌که، آزادی در ذات انسان است و انسان به اقتضاء انسانیت خویش آزاد و آزادی‌طلب است.

ایشان آزادی را یک امر عمومی و برای تمام مردم جامعه می‌داند و همواره در بیانات خود کلمه آزادی را با واژه ملت همراه می‌کند و بیش‌تر هدفش بیان آزادی عمومی است و این نوع آزادی را دارای نقشی مؤثر در ساختار قدرت می‌داند و آن را تعیین‌کننده نوع حکومت و حاکم با مشارکت آزاد مردم در انتخاب آن‌ها می‌داند؛ ایشان به جنبه‌های مثبت از واژه مدرن آزادی گرایش دارند و آزادی را برای همه به طور مساوی می‌داند.

در زیر به بررسی نظریات امام در مورد آزادی‌های اجتماعی و حدود آن‌ها پرداخته می‌شود.

آزادی اندیشه و بیان

امام (ره) معتقد به این امر می‌باشند که باید فضای سالم را برای آزادی بیان و اندیشه مهیا کنیم؛ البته این‌گونه آزادی را در محدوده قانون می‌داند، به طوری که به عقاید دینی و مذهبی و بنیان‌های حکومت اسلامی

ضربه وارد نسازد و برای آن معتقد به نوعی حدود می‌باشد و می‌فرماید: آزادی در حدود قانون است. همه جای دنیا این‌طور است که آزادی هر ملتی در حدود قانون است. نمی‌تواند کسی به اسم آزادی قانون‌شکنی کند. (همان، ج ۸، ص ۱۱۹)

از سوی دیگر امام معتقد به آزادی‌های فردی و سیاسی می‌باشد و بنیان جمهوری اسلامی را بر آزادی می‌داند که جناح‌های سیاسی در آن در اظهار عقاید خود آزاد می‌باشند و سرنوشت هر انسان در دست خودش است، و وظیفه حکومت را جلوگیری از فساد می‌داند. برای مردم این حق را لازم می‌داند که برای آزادی خود فداکاری و ایثار کنند و آزادی را مهمترین پیامدهای انقلاب اسلامی می‌داند، و از طرفی معتقد است که مردم حق دارند که انتقاد کنند و آن اساس آزادی است. (همان، ج ۱۱، ص ۹)

ایشان در مورد آزادی اندیشه و بیان، معتقد به قانون حقوق بشر می‌باشد (همان، ج ۵، ص ۲۴۸) و همه مطبوعات را آزاد می‌داند؛ به شرطی که مقالات مضر به حال کشور چاپ نکنند و همه در اظهار عقیده آزاد می‌باشند، و می‌فرماید که: «در اسلام دموکراسی مندرج است و مردم آزادند در اسلام، هم در بیان عقاید و هم در اعمال، مادامی که توطئه در کار نباشد و مسائلی را عنوان نکنند که نسل ایران را منحرف کنند». (همان، ج ۵، ص ۴۶۸)

آزادی عقیده از اموری است که اسلام نه تنها به آن عقیده داشته بلکه آن را در عمل به اثبات رسانده است؛ بدین‌گونه که از آغاز شکل‌گیری حکومت اسلامی در مدینه توسط رسول اکرم (ص) این نوع از آزادی در خصوص یهودیان و مسیحیان مدینه به اجرا درآمد، و پیامبر (ص) نه تنها آنها را به پذیرش اسلام مجبور نمودند بلکه برای آنان حقوق و آزادی‌هایی نیز قائل شدند؛ چرا که از دیدگاه اسلام، دین و عقیده از مقولاتی نیست که بتوان آن را به اجبار بر دل‌ها تحمیل نمود و لذا اگر چنانچه افراد دارای عقاید درست یا غلط و خرافی باشند که به صورت یک عقیده درونی بوده و اثری بر زندگی، جامعه و جبهه‌گیری علیه دین و حکومت اسلامی نداشته باشد از دیدگاه اسلام این افراد آزادند، و اگر خلاف این باشد، نه تنها دیگر نمی‌توان نام آن را عقیده نامید، بلکه می‌بایست عملاً آن را توطئه نام نهاد، و توطئه نیز از منظر اسلام قابل قبول نمی‌باشد. لذا رسول خدا هنگامی که از توطئه یهودیان مدینه آگاه شدند، آنها را سرکوب نمودند.

امام خمینی نیز به آزادی عقیده با این دید نگریسته و ضمن پذیرش آن، معتقدند که اسلام قادر به پاسخگویی به همه آن عقاید است؛ لذا ایشان بر این نکته تأکید می‌ورزیدند که آزادی موجب توطئه و فساد نگردد. (همان، ج ۹، ص ۳۰۰)

از شاخصه‌های مهم آزادی اندیشه و بیان، آزادی مطبوعات است که خود یکی از شاخصه‌های دموکراسی است. لذا وجود آزادی مطبوعات از این منظر دارای اهمیت ویژه‌ای است؛ چرا که در پرتو آن گروه‌ها و جمعیت‌ها می‌توانند نظریات و تجزیه و تحلیل مسائل سیاسی و اجتماعی خود را مطرح ساخته و در آگاه ساختن جامعه و رسیدن آن به سوی کمال تلاش نمایند؛ امام (ره) نقش نشریات را در این خصوص بسیار مهم عنوان می‌کند و می‌فرماید: «در باب نشریات خودتان می‌دانید که نقش نشریات در هر کشوری از همه چیزها

بالا تر است؛ روزنامه‌ها و مجلات می‌توانند یک کشوری را رشد بدهند... به راهی که صلاح کشور است و می‌توانند که به عکس عمل بکنند» (همان، ج ۱۴، ص ۳۸۳)

با توجه به اهمیت و نقش مطبوعات، بی‌شک برخی به سوءاستفاده از این آزادی خواهند پرداخت، و به جای هدایت جامعه، به گمراهی جامعه مشغول می‌گردند و لذا امام خمینی (ره) برای جلوگیری از این کار و برای این‌که این رسانه مهم بتواند به درستی نقش خود را ایفا بنماید حدودی برای آن قائل شده است. در این مورد رعایت مصالح عمومی جامعه بر تمام آحاد جامعه به‌ویژه مطبوعات واجب است؛ چرا که عدم رعایت آن سبب از هم پاشیدگی نظام و حکومت اسلامی می‌گردد. در این باره امام خمینی می‌فرماید:

آزادی قلم و بیان معنایش این نیست که کسی بر ضد مصلحت کشور قلمش آزاد است که برخلاف انقلابی که مردم خون به پیش داده‌اند بنویسد، این نوع از آزادی صحیح نیست. قلم آزاد است که مطالبی که دارد بنویسد، آن هم مطالبی که به او داده می‌شود، و از همه اشخاص بدون توطئه بنویسد (همان، ج ۷، ص ۳۲۰). از مطبوعات می‌خواهد که از درج مطالبی که باعث تفرقه در جامعه می‌شود خودداری کنند.

آنچه که مطبوعات لازم است به آن توجه کنند این است که هدف از طرح انتقادات و دیدگاه‌ها برای رفع کاستی و اصلاح در جامعه بوده و نه انتقام؛ از همین رو امام (ره) ضمن پذیرش اصل انتقاد، برای آن نیز محدودیت‌هایی قائل شده و فرموده‌اند: «هرچه می‌خواهند بگویند و هر چه می‌خواهند انتقاد کنند، انتقاد غیر توطئه است، لحن توطئه با لحن انتقاد فرق دارد، انتقاد از اموری است که سازنده است... لکن یک وقت لحن، لحن انتقاد نیست؛ لحن، لحن تضعیف جمهوری اسلامی است... ما با این لحن مخالفیم. این لحن آزاد نیست، توطئه آزاد نیست، انتقاد آزاد است» (همان، ج ۱۷، ص ۴۶۱-۴۶۲)

آزادی‌های سیاسی

از بحث‌های مهم دیگر در آزادی، آزادی‌های سیاسی است، که شامل آزادی احزاب و گروه‌های سیاسی فعال و آزادی حضور مردم در امور سیاسی کشور است، و این امر از الزامات نظام‌های دموکراسی می‌باشد. بحث آزادی‌ها در قانون اساسی جمهوری اسلامی نیز گنجانده شده است که این قانون نیز مورد تأیید امام خمینی (ره) قرار گرفته است که بدون شک متأثر از نوع اندیشه ایشان می‌باشد. ایشان معتقد به آزادی فعالیت احزاب سیاسی و اظهار عقیده آنها می‌باشند، و مردم را آزاد در بیان نظریات سیاسی خود در هنگام انتخابات و یا تجمعات دسته‌جمعی سیاسی و تصمیم‌گیر نهایی در تمام مسائل ایران اسلامی می‌دانند (همان، ج ۱۶، ص ۲۶۶).

از طرفی امام خمینی (ره) معتقدند که مکتب اسلام آن قدر غنی است که به هرگونه نیازی که احزاب مختلف در جامعه می‌خواهند پاسخ دهد و آنها آزاد در بیان برنامه‌های خود هستند، درحالی‌که هدفشان توطئه نباشد و می‌فرمایند: «هرگونه اجتماعات و احزاب از طرف مردم در صورتی که مصالح مردم را به خطر نیندازند آزادند و اسلام در تمامی این شئون حد و مرز آن را تعیین کرده است» (همان، ج ۴، ص ۲۶۶)

از آن‌جا که امام (ره) اعتقاد دارند که مصلحت نظام و یا حفظ نظام، مقدم بر همه امور و از مهمترین واجبات است، چنین می‌نماید که آزادی‌های سیاسی در این دایره محدود می‌شوند و دایره مدار آزادی از نظر ایشان حفظ نظام و در نظر گرفتن مصالح عالیه آن است. البته شواهدی در بیانات ایشان است که آزادی را تا حد زیادی از قربانی شدن در مسلخ مصلحت نظام نجات می‌دهد و آن این‌که این‌گونه مصلحت‌ها ابتدا در موارد نادرست و باید توسط کارشناسان دانا تأیید شود.

همچنین ایشان در مورد انتخابات معتقد به این اصول می‌باشند که شرایط را باید برای انجام انتخابات آزاد مهیا کرد و به هیچ وجه اعمال قدرت و نفوذی از هیچ طبقه و گروهی در انتخابات اعمال نشود. در تمام شئون انتخابات، میزان رأی مردم می‌دانند (همان، ج ۸، ص ۲۳۹)؛ رأی دادن را یک امر شرعی می‌دانند که نشان‌دهنده آزاد بودن فرد می‌باشد (همان، ج ۱۵، ص ۲۵۹).

آزادی فردی یا حریم خصوصی

فرمان هشت ماده‌ای امام خمینی که در مورخه ۶۱/۹/۲۴ خطاب به قوه قضائیه و تمام ارگان‌های اجرائی در مورد اسلامی شدن قوانین و عملکردها، صادر شد، در واقع منشور آزادی‌های انسان در حریم شخصی است. ایشان در این فرمان با تأکید بر آن فرمود: «هیچ کس حق ندارد کسی را بدون حکم قاضی که از روی موازین شرعیه باید باشد توقیف کند یا احضار نماید. هر چند مدت توقیف کم باشد. توقیف یا احضار به عنف جرم است و موجب تعزیر شرعی است. هیچ کس حق ندارد در مال کسی چه منقول و چه غیرمنقول و در مورد حق کسی دخل و تصرف کند یا توقیف و مصادره نماید مگر به حکم حاکم شرع، آن هم پس از بررسی دقیق و ثبوت حکم از نظر شرعی. هیچ کس حق ندارد به خانه یا مغازه و یا محل کار شخصی کسی بدون اذن صاحب آنها وارد شود یا کسی را جلب کند یا به نام کشف جرم یا ارتکاب گناه تعقیب و مراقبت نماید و یا نسبت به فردی اهانت نموده و اعمال غیرانسانی - اسلامی مرتکب شود، یا به تلفن یا نوار ضبط صوت دیگری به نام کشف جرم یا کشف مرکز گناه گوش کند و یا برای کشف گناه و جرم هر چند گناه بزرگ باشد، شنود بگذارد و یا دنبال اسرار مردم باشد و تجسس از گناهان غیر نماید یا اسراری که از غیر به او رسیده ولو برای یک نفر فاش کند. تمام این‌ها جرم [و] گناه است و بعضی از آنها چون اشاعه فحشا و گناهان از کبائر بسیار بزرگ است و مرتکبین هر یک از امور فوق مجرم و مستحق تعزیر شرعی هستند و بعضی از آنها موجب حد شرعی می‌باشد» (همان، ج ۱۷، ص ۱۴۰-۱۴۱) و در ادامه به محدوده این آزادی اشاره کرده و فرمودند:

«آنچه ذکر شد و ممنوع اعلام شد، در غیر مواردی است که در رابطه با توطئه‌ها و گروهک‌های مخالف اسلام و نظام جمهوری اسلامی است که در خانه‌های امن و تیمی برای براندازی نظام جمهوری اسلامی و ترور شخصیت‌های مجاهد و مردم بی‌گناه کوچه و بازار و برای نقشه‌های خراب‌کاری و افساد فی الارض اجتماع می‌کنند و محارب خدا و رسول می‌باشند، که با آنان در هر نقطه که باشند و همچنین در جمیع ارگان‌های دولتی و دستگاه‌های قضائی و دانشگاه‌ها و دانشکده‌ها و دیگر مراکز با قاطعیت و شدت عمل ولی با احتیاط کامل باید عمل شود؛ لکن تحت ضوابط شرعیه و موافق دستور دادستان‌ها و دادگاه‌ها؛ چرا که تعدی

از حدود شرعیه حتی نسبت به آنان نیز جایز نیست، چنانچه مسامحه و سهل‌انگاری نیز نباید شود. و در عین حال مأمورین باید خارج از حدود مأموریت که آن هم منحصر است به محدوده سرکوبی آنان حسب ضوابط مقرر و جهات شرعیه، عملی انجام ندهند. و مؤکداً تذکر داده می‌شود که اگر برای کشف خانه‌های تیمی و مراکز جاسوسی و افساد علیه نظام جمهوری اسلامی از روی خطا و اشتباه به منزل شخصی یا محل کار کسی وارد شدند و در آن جا با آلت لهُو یا آلات قمار و فحشا و سایر جهات انحرافی مثل مواد مخدره برخورد کردند حق ندارند آن را پیش دیگران افشا کنند؛ چرا که اشاعه فحشا از بزرگترین گناهان کبیره است و هیچ‌کس حق ندارد هتک حرمت مسلمان و تعدی از ضوابط شرعیه نماید. فقط باید به وظیفه نهی از منکر به نحوی که در اسلام مقرر است عمل نمایند و حق جلب یا بازداشت یا ضرب و شتم صاحبان خانه و ساکنان آن را ندارند و تعدی از حدود الهی ظلم است و موجب تعزیر و گاهی تقاص می‌باشد. و اما کسانی که معلوم شود شغل آنان جمع مواد مخدره و پخش بین مردم است، در حکم مفسد فی الارض و مصداق ساعی در ارض برای فساد و هلاک حرث و نسل است و باید علاوه بر ضبط آنچه از این قبیل موجود است، آنان را به مقامات قضائی معرفی کنند. و همچنین هیچ یک از قضات حق ندارند ابتدائاً حکمی صادر نمایند که به وسیله آن مأموران اجرا اجازه داشته باشند به منازل یا محل‌های کار افراد وارد شوند که نه خانه امن و تیمی است و نه محل توطئه‌های دیگر علیه نظام جمهوری اسلامی، که صادرکننده و اجراکننده چنین حکمی مورد تعقیب قانونی و شرعی است». (همان، ج ۱۷، ص ۱۴۱-۱۴۲)

اقلیت‌های مذهبی

در اندیشه امام خمینی، اقلیت‌های مذهبی اعم از زرتشتی، یهودی، نصاری و سنی برادران ایمانی ما هستند و در اجرای آداب دینی و اجتماعی خود آزادند. حکومت اسلامی نیز موظف است از حقوق و امنیت آنها حمایت کند. آنان جملگی ایرانی‌اند و همانند هر ایرانی دیگر از حق تعیین وکیل، حق رأی، حق اظهار بیان و عقیده برخوردارند. البته این اقلیت‌ها باز فعالیتشان منوط به احترام به مذهب اسلامی در کشور می‌باشد و این که، از آزادی انجام مناسک مذهبی خود در راستای تضعیف و ضربه زدن به حکومت اسلامی استفاده نکنند.

مرزهای آزادی از دیدگاه امام

متفکران از دیرباز برای این که از تجاوزها و جرایم و به‌طور کلی بلندپروازی‌ها و خودخواهی‌های بی‌جای انسان که از غریزه خودخواهی او سرچشمه می‌گیرد جلوگیری نمایند حصار از قانون را دور این امیال و خواسته‌های سرکش ایجاد نموده‌اند، تا بدین نحو، تندروی‌های او را تعدیل نموده و مصالح عمومی را در پناه قانون محفوظ نگه دارند.

در حال حاضر هیچ مکتبی قائل به آزادی مطلق نیست؛ چرا که آزادی مطلق نه مطلوب است و نه دست‌یافتنی. شهید دکتر محمدجواد باهنر (ره) در خصوص کسی که معتقد به آزادی مطلق است می‌گوید: «مَثَل چنین کسی بسان شخصی است که تصور می‌کند که اگر درختی را از ریشه بیرون آوریم آن را آزاد ساخته‌ایم، اما این آزادی به معنای سقوط و از بین رفتن آن است. اگر درخت ریشه‌اش در زمین باشد، اما موانع رشدش

برداشته شود، با آفت‌هایی که ممکن است به آن ضرر برساند، مبارزه شود و به اندازه کافی تغذیه گردد، به او برای این‌که در مسیر تکاملی خود قرار گیرد، کمک شده است؛ یعنی این درخت برای حرکت و رشد تکاملی‌اش آزاد است. اما اگر سنگی روی شاخه‌اش انداختیم، یا آن را آب ندادیم، اگر موانع ایجاد کردیم، ما با این کارمان از درخت سلب آزادی نموده‌ایم.» (باهر، ۱۳۵۸، ص ۷۹)

از سوی دیگر اگر بنا باشد هر کس هر چه دلش خواست انجام دهد، این کار باعث به وجود آمدن تلاقی بین آزادی افراد جامعه می‌گردد و طبیعت جامعه انسانی اقتضا می‌کند آزادی‌های افراد محدود گردد تا همگی بتوانند از مواهب اجتماعی به طور عادلانه استفاده کنند؛ چرا که اگر برای آزادی حدی قائل نشویم، عملاً زمینه سوءاستفاده از آزادی را فراهم نموده‌ایم و به عبارت دیگر، قائل نشدن حد برای آزادی مساوی است با ایجاد موانع برای آزادی دیگران.

امام خمینی (ره) همیشه بر حفظ حدود آزادی تأکید می‌نمودند و حدی که ایشان برای آزادی مد نظر داشتند عبارت بود از، قرار داشتن در مدار قوانین و شریعت اسلام، و لذا تخلف از آن را جایز نمی‌دانستند و می‌فرمودند: «آزادی [در اسلام] در حدود اسلام است، در حدود قانون است، تخلف از قانون نشود به خیالی این‌که آزادی است.» (صحیفه امام، ج ۹، ص ۱۵۰)

ما در این‌جا، حدودی را که ایشان برای آزادی قائل شده‌اند را شرح می‌دهیم که عبارت‌اند از:

۱ - آزادی باید عقلایی و در چارچوب قانون باشد

ایشان بر این اعتقاد بودند که آزادی باید منطقی و بر طبق قانون باشد و می‌فرمودند: «گفته می‌شود که مردم آزادند؛ یعنی آزاد است انسان که بزند سر مردم را بشکنند؟! آزاد است که قانون‌شکنی بکنند؟! آزاد است که برخلاف مسیر ملت عمل بکنند؟! آزاد است که توطئه بکند بر ضد ملت؟! این‌ها آزادی نیست. در حدود قوانین، در حدود کارهای عقلایی آزاد است.» (همان، ج ۷، ص ۳۲۰)

۲ - آزادی موجب هرج و مرج نشود

نظم و آرامش در هر جامعه‌ای یکی از مهمترین و اساسی‌ترین مسائل در قوام آن جامعه است؛ از این‌رو بر تمامی اعضای جامعه واجب است که از هر چه باعث اختلال در این نظام می‌گردد پرهیز کنند. متأسفانه برخی با درک نکردن معنای صحیح آزادی - خواسته یا ناخواسته - دست به اعمالی می‌زنند که باعث به هم خوردن نظامی می‌گردد که با خون هزاران شهید و جانباز برپا گشته است. امام خمینی در توصیه‌ای به چنین اشخاصی می‌فرماید: «حالا که آزاد شدیم خودمان را به هرج و مرج بکشیم؟ حالا که آزاد هستیم به زیردستان خودمان ظلم کنیم؟ حالا که آزاد هستیم، برخلاف نظامات اسلامی و برخلاف نظامات ملی عمل کنیم؟ هرج و مرج به پا کنیم چون آزاد هستیم؟ تحت هیچ قاعده نباشیم تحت هیچ یک از قواعد اسلامی و ملی نباشیم؟ اگر این‌طور باشد آزادی را [سلب کرده‌ایم].» (همان، ج ۸، ص ۳۸)

۳ - آزادی منجر به توطئه علیه نظام نگردد

با پیروزی انقلاب اسلامی، امام ضمن اعلام حمایت از آزادی‌های مشروع مردم، همیشه بر این نکته تأکید می‌کردند که آزادی غیر از توطئه است؛ لذا هیچ‌کس حق ندارد به بهانه آزادی به توطئه علیه نظام و جامعه اسلامی بپردازد و خطاب به توطئه‌گران فرمودند: «آزادی غیر از توطئه است، آزادی، آزادی بیان است؛ هر چه می‌خواهند بگویند، توطئه نکنند... این آدم‌کش‌ها و توطئه‌گرها را دفن خواهیم کرد» (همان، ج ۷، ص ۱۳۳)؛ چرا که اساساً هیچ نظامی حق توطئه بر ضد مصالح و امور خویش را به هیچ‌کس نمی‌دهد، در نظام اسلامی نیز مسئله بدین نحو است و نمونه آن را می‌توان در برخورد رسول الله (ص) با یهودیان و مسیحیان مدینه جست‌وجو کرد که ایشان حقوق و آزادی‌ها و امتیازهای خاصی را برای آنها قائل شده بودند، اما هنگامی که یهودیان، با سوءاستفاده از آزادی‌های اعطایی رسول اکرم (ص) مشغول توطئه بر ضد کیان اسلام شده و به همکاری کفار قریش پرداخته و مقدمات حمله علیه مسلمانان را فراهم نمودند، در این‌جا بود که رسول الله (ص) با مطلع شدن این مسئله، دستور سرکوب آنها را صادر نمودند؛ چرا که دیگر این‌جا مسئله آزادی مطرح نبود، بلکه توطئه علیه امت و کیان اسلام بود.

۴ - آزادی بهانه‌ای جهت اهانت به مقدسات نگردد

امام خمینی همیشه بر آن بودند که جامعه را با تعالیم والای اسلامی منطبق ساخته و گامی به سوی تشکیل حکومت اسلامی، به معنای واقعی آن بردارند و لذا نگاه ایشان به آزادی از این منظر بود و طبعاً از این منظر آزادی نیز دارای حدودی است که ما در ذیل به برخی از آنها اشاره می‌کنیم:

از نگاه لیبرالیسم هیچ امر مقدسی وجود ندارد؛ لذا آنها از هر گونه امر مقدسی تقدس‌زدایی می‌نمایند، و فهم و عقل خود را از هر چیز برتر دانسته و بر همین اساس نه تنها از اندیشه‌های ارسطو و ارباب کلیسا، بلکه از هرگونه اعتقاد دینی‌ای تقدس‌زدایی نموده‌اند. اما از دیدگاه اسلام هر آنچه بتواند انسان را به کمال برساند مقدس تلقی شده و دفاع از آن و حفظ حریم آن بر همگان واجب می‌باشد، و لذا امام خمینی (ره) می‌فرمایند: مطبوعات آزادند مطالب بنویسند، اما آیا آزاد هستند که اهانت به مثلاً مقدسات مردم بکنند؟! (همان، ج ۷، ص ۵۳۶)؛ چرا که مقدسات مردم ما که همان اصول و احکام نورانی دین مبین اسلام می‌باشد، نه تنها مقوم خود دین است، بلکه اساساً یکی از مهم‌ترین علل پیروزی انقلاب اسلامی می‌باشد؛ چرا که مردم با الهام گرفتن از این احکام و تعالیم؛ خود را از سلطه رژیم پهلوی رها ساخته و زمینه را برای نیل به آزادی به معنای حقیقی مهیا ساخته‌اند.

۵ - آزادی نباید منجر به فساد گردد

از آن‌جا که مهم‌ترین هدف آزادی از منظر اسلام رشد و تعالی انسان و نیل او به کمال می‌باشد، این امر مسلماً با ترویج فساد در جامعه در تضاد است؛ زیرا اساساً فساد باعث رشد و تعالی بُعد حیوانی انسان می‌گردد و نه بُعد انسانی و الهی او، و لذا بر همین اساس بود که امام (ره) فرمودند: ما آزادی فساد نمی‌دهیم (همان، ج ۷، ص ۱۶۲) و خطاب به کسانی که بی‌بند و باری را آزادی می‌پنداشتند، فرمودند: «شما بی‌بند و باری را آزادی

می‌دانید، شما فساد اخلاق را آزادی می‌دانید، شما فحشا را آزادی می‌دانید،... البته آزادی که منتهی بشود به فساد، آزادی که منتهی بشود به تباهی ملت، به تباهی کشور، آن آزادی را نمی‌توانیم بدهیم.» (همان، ج ۹، ص ۳۴۴)

نتیجه

بحث آزادی همواره باعث بوجود آمدن شبهه‌هایی در میان جوامع شده، که میزان استفاده از آزادی در اجتماع تا چه حد می‌باشد. امام خمینی (ره) در رهبری خود امر آزادی را به عنوان مهم‌ترین هدف انتخاب نموده‌اند و در بیانات و شعارهای خود این واژه را به کار برده‌اند. به نوعی می‌توان گفت در صدد تأکید بر شکل‌دهی آن در اجتماع ایران بوده‌اند و تعریفی خاص از آن متناسب با مذهب و سنن ایرانی و اسلامی ارائه داده‌اند و آن را یک امر فطری و حقی واجب برای تمام مردم دانسته‌اند که باعث پیشرفت و ترقی هر چه بیش‌تر جامعه خواهد شد. از سوی دیگر برای آزادی حدودی متناسب با مصلحت جامعه و در راستای عقاید اسلامی قائل شده‌اند، تا از این طریق مانع از فساد و توطئه و هرج و مرج در اجتماع شوند؛ و به نوعی فضای جامعه را برای پیش بردن امور به سوی رسیدن به آرمان‌های حقیقی انقلاب اسلامی شکل داده‌اند.

Archive of SID

فهرست منابع

- ۱- باهنر، محمدجواد (۱۳۵۸)، *انسان و خودسازی*، چاپ اول، تهران، انتشارات آزادی.
- ۲- *صحیفه امام*، (۱۳۸۵)، چاپ چهارم، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- ۳- کوئینتن، آنتونی (۱۳۷۵)، *فلسفه سیاسی*، ترجمه علی حسینی، تهران، نشر نی.
- ۴- محمودی، علی (۱۳۷۸)، *نظریه آزادی در فلسفه هابز و لاک*، تهران، انتشارات امیرکبیر.
- ۵- منتسکیو، شارل دو (۱۳۶۲)، *روح القوانین*، ترجمه علی اکبر مهتدی، تهران، انتشارات امیرکبیر.

Archive of SID